

کتیبه حجاری مسجد مصری  
اصفهان، حاوی رقم: «کتبه العبد  
المذنب المحتاج / محمدرضا امامی  
اصفهانی» در طرفین بالای کتیبه،  
مأخذ: نگارنده.

## شناسایی و معرفی خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق در بناهای دوره صفوی ایران

فرهاد خسروی بیژان \*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۵/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۹/۱۳

صفحه ۳۹ تا ۵۳

### چکیده

رواج کتیبه‌های نستعلیق در تزئینات معماری صفوی، یکی از نوآوری‌های قابل توجه در این دوره به شمار می‌رود. این کتیبه‌ها، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناسانه، حاوی اطلاعات ارزشمندی مانند اسامی افراد تأثیرگذار در شکل‌گیری بناها و کتیبه‌ها هستند. از این منظر می‌توان کتیبه‌ها را اسناد معتبری در شناسایی بخشی از تاریخ هنر ایران قلمداد کرد. یکی از وجوه قابل پژوهش در این زمینه، معرفی خوشنویسان این کتیبه‌هاست که در تاریخ خوشنویسی کمتر بدان پرداخته شده یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. پرسش کلی پژوهش بدین قرار است: کدام خوشنویسان صفوی در زمینه کتیبه نگاری نستعلیق فعال بوده‌اند و تعداد آثار به جای مانده از آنان چه مقدار است؟ در این راستا، پژوهش بنیادی پیش رو، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در بیش از ۱۵۰ بنای صفوی که حاوی حداقل ۲۲۷ کتیبه نستعلیق بودند، انجام گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۸۱ اثر حاوی رقم خوشنویس بوده و در این میان، ۴۴ خوشنویس، در کتیبه‌ها رقم خود را بر جای گذاشته‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه گروه دسته بندی نمود: گروه اول خوشنویسان مطرحی چون: میرعماد، علی رضا عباسی و محمد صالح اصفهانی هستند که شرح حال نسبتاً مفصلی از آنان در منابع موجود است. گروه دیگری از این خوشنویسان، هنرمندانی هستند که اطلاعات اندکی از احوال و آثار آن‌ها به جای مانده است؛ مانند: ابوالفتح گلستانه، درگاه‌قلی شریف و ولایت الله گلپایگانی. سومین گروه از خوشنویسان کتیبه‌ها، کتیبه‌نگارانی هستند که متأسفانه تاکنون غیر از رقم انتهای کتیبه‌ها، نشان دیگری از احوال و آثار آنان در تذکره‌ها یا مجموعه‌ها یافت نشده است؛ مانند محمدخان، بمان علی، خلیل الله و ابوسعید امامی. بیشترین آثار موجود به ترتیب فراوانی -متعلق به محمد صالح اصفهانی، محمدرضا امامی، علی نقی امامی و سلطان علی مشهدی است.

### واژگان کلیدی

کتیبه نگاری نستعلیق، تزئینات معماری صفوی، خوشنویسان صفوی، رقم خوشنویسان.

\* استادیار گروه کتابت و نگارگری، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: Farhadkhosravi121@yahoo.com

### مقدمه

معرفی شده در خلال این مطالب، سرگذشت بالغ بر نیمی از آنان در پرده ابهام است که ادامه این پژوهش را در مقاطع زمانی بعدی، توجیه می‌کند.

### روش تحقیق

این پژوهش در زمره پژوهش‌های بنیادی به شمار می‌رود. رویکرد پژوهش پیش رو اکتشافی است که داده‌های آن با مطالعات کتابخانه‌ای و نیز یافته‌های میدانی تدوین شده است. بازه زمانی جامعه آماری مورد نظر، دوره صفوی (۹۰۵-۱۱۳۵ ه.ق) در ایران است و برای نیل به اهداف مد نظر، کلیه کتیبه‌های نستعلیق در بناهای به جای مانده از این دوره که در دسترس بوده، مورد مطالعه قرار گرفته است. بناهای مورد مطالعه، کاربری‌های متعددی مانند مساجد، مدارس، کاخ‌ها، خانه‌ها، مقبره‌ها، آب‌انبارها، بازارها، حمام‌ها و پل‌ها را شامل می‌شوند. بدین منظور، در مرحله اول، شرح حال خوشنویسان و آثار برجسته‌شان به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در مراحل بعدی، به دلیل این که بسیاری از آثار به جا مانده و مرتبط با این پژوهش، قبلاً مورد مطالعه قرار نگرفته؛ بخش وسیعی از جمع آوری داده‌ها به صورت مستند نگاری‌های میدانی صورت پذیرفته است. در بسیاری از موارد، خوانش متن کتیبه‌ها من جمله رقم خوشنویسان - مستلزم حضور در محل و تهیه تصاویر مناسب بوده که نتایج آن با مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط، تطبیق، تصحیح و تکمیل شده است.

### پیشینه تحقیق

هنرفر (۱۳۴۸) سیاه‌ای از کتیبه‌های تاریخی اصفهان را تهیه و ارائه کرده است؛ من جمله: لوح حجاری تالار وسط صحن مسجد جامع با شعر و خط صحیفی جوهری به تاریخ ۹۸۵ ه.ق، اشعار پراکنده بر یک لوح سنگی از محمد معصوم الحسینی النامی در مسجد علی به سال ۱۰۱۳ ه.ق، کتیبه ایوان شرقی مسجد آقانور به تاریخ ۱۰۳۴ ه.ق، کتیبه اطراف چهارسوی بازار ساروتقی به خط محمدرضا امامی به سال ۱۰۵۶ ه.ق، کتیبه داخل بقعه هارون ولایت به خط محمدرضا امامی به تاریخ ۱۰۶۷ ه.ق، لوح آرامگاه صائب به خط محمد صالح اصفهانی به سال ۱۰۸۷ ه.ق، کتیبه رواق بقعه امامزاده اسماعیل به تاریخ ۱۱۱۱ ه.ق، فرمان شاه سلطان حسین در صحن امامزاده اسماعیل به خط علی نقی امامی در ۱۱۱۵ ه.ق، در نفیس مدرسه چهارباغ و همچنین کتیبه‌های سرسرای شمالی و غربی مدرسه چهارباغ به خط محمد صالح به تاریخ ۱۱۱۹ ه.ق.

مدرس طباطبایی (۱۳۵۰) در معرفی مدارس صفوی قم، به آب انبار مدرسه دارالشفای اشاره می‌کند که کتیبه نستعلیقی حاوی دو رباعی دارد. متن هر دو حاوی ماده

واژه کتیبه در خوشنویسی دو بار معنایی مشابه و در عین حال متفاوت دارد. در کاربرد اول، کتیبه به اثری گفته می‌شود که با قلم خوشنویسی جلی نوشته شده باشد. در این معنا، نوک قلم پهنایی بیش از دو سانتی‌متر دارد. آن چه مسلم است، «نسبت» یک مولفه مهم در تعریف واژه کتیبه است. چنان‌که در گذشته، با توجه به نسبت‌های رایج در نگارش، اوج جلی‌نویسی دو سانتی‌متر و امروزه حدود شش سانتی‌متر است. کتیبه در کاربرد معنایی دوم، معادل واژه کتابه به کار رفته و به اثری گفته می‌شود که بر سطحی غیر از کاغذ مثل گچ، سنگ، کاشی، فلز و ... در بناهای تاریخی اجرا شده باشد. واژه کتیبه از دوره قاجار، اندک اندک جای کتابه را گرفته است تا اندازه‌ای که خوشنویسان معاصر ایران با واژه کتابه چندان آشنا نیستند. در معنای اخیر، جلی بودن قلم الزامی نیست چرا که به نوشته‌های روی سکه‌ها، ظروف، منسوجات و ... هم واژه کتیبه اطلاق می‌شود. منظور از کتیبه در پژوهش حاضر، معنای اخیر است و آن دسته از آثار را شامل می‌گردد که در تزئینات وابسته به معماری صفوی دیده می‌شود.

بر اساس نمونه‌های موجود، در اواسط عهد تیموری، قلم نستعلیق جای خود را در کتیبه‌نگاری باز کرد. اولین نمونه‌های موجود کتیبه‌های نستعلیق، کتیبه‌های حجاری لوح مقابر بزرگان تیموری است که در هرات دیده می‌شود و از نمونه‌های آن می‌توان به سنگ قبر سلطان حسین بایقرا به رقم سلطان علی مشهدی اشاره کرد. در دوره صفوی با ظهور چهره‌های برجسته نستعلیق ایران، من جمله میرعماد، این خط به بالاترین درجه مهارت و زیبایی رسید. با این حال، برخلاف کاتبان و خوشنویسان که اطلاعات تاریخی و مستند نسبتاً زیادی درباره آنان موجود است؛ از شرح احوال و آثار کتیبه‌نگاران عهد صفوی، اطلاع چندانی در دست نیست. در واقع، اطلاعات در دسترس، درباره خوشنویسانی است که دستی هم در کتیبه‌نویسی داشته اند. از این رو، دانسته‌های پژوهشی درباره کتیبه نگاران نستعلیق بسیار ناچیز است. پرسش‌های پژوهش پیش رو بدین شرح است:

\* کدام هنرمندان خوشنویسی نستعلیق صفوی در زمینه کتیبه‌نگاری نیز فعال بوده اند؟  
\* چه تعداد از کتیبه‌های نستعلیق موجود صفوی حاوی رقم خوشنویسان این دوره است؟  
\* بر اساس آثار باقی مانده از دوره صفوی، کدام خوشنویسان در عرصه کتیبه‌نگاری نستعلیق، فعال‌ترین محسوب می‌شوند؟

در همین راستا، در این پژوهش تعدادی از هنرمندان کتیبه‌نویس معرفی می‌شوند که در تاریخ خوشنویسی، نام و نشان چندان از آنان موجود نیست. از ۴۴ کتیبه‌نویس



تصویر ۱: نمونه‌ای از نستعلیق اولیه، کلیات سعدی، ۷۸۴ ه.ق، ثبت شده در میراث جهانی یونسکو، ماخذ: آرشیو شخصی حمیدرضا قلیچ خانی

همچنین چهار کتیبه شاخص دیگر نیز معرفی شده است: کتیبه بقعه هارون ولایت به قلم محمدرضا امامی، کتیبه تکیه میرفندرسکی به خط میرعماد، کتیبه در مسجد امام به قلم عبدالرشید دیلمی و کتیبه مسجد آقا نور به خط نورای اصفهانی. روح الامین (۱۳۸۶) یکی از معدود مطالعات تخصصی روی یک اثر شاخص کتیبه‌ای را انجام داده است. وی کتیبه گچبری میرعماد در تکیه میرفندرسکی اصفهان را از جوانب مختلف بررسی و تحلیل کرده است. جباری (۱۳۸۷) در پایان مقاله تکوین و تطور قلم نستعلیق، جدول زنجیره استاد شاگردی از ابتدا تا میرعماد را ذکر کرده است. علی‌رغم نقطه قوت این پژوهش که استفاده از منابع دست اول است، از این که هیچ اشاره‌ای به مقوله کتیبه‌نویسی نشده، می‌توان گفت این بخش از تاریخچه نستعلیق در این پژوهش، مد نظر پژوهشگر نبوده است. دانش یزدی (۱۳۸۷) ضمن بررسی کتیبه‌های تاریخی شهر یزد، تصاویری از آن‌ها را نیز ارائه داده که تعدادی از آثار معرفی شده در آن، در جامعه آماری پژوهش حاضر قرار می‌گیرد. دانش یزدی، در بسیاری موارد، متن کتیبه‌ها را به استناد «یادگارهای یزد» ایرج افشار تنظیم کرده است. خسروی بیژانم و یزدانی (۱۳۹۰) به بررسی موردی یکی از کتیبه‌های خاص در تاریخ نستعلیق نویسی پرداخته‌اند. در این مقاله، کتیبه آب انبار مجموعه شیخ جام، به خط علی‌رضا عباسی معرفی شده است.

#### نستعلیق نویسان تیموری و صفوی

از عمده‌ترین علل پیشرفت خوشنویسی در دوره تیموری، می‌توان به: حمایت شاهزادگان، کاربردهای متعدد خوشنویسی در سایر هنرها، ضرورت آموزش

تاریخ است و در پایان رقم «کتبه العبد المحتاج محمد رضا اصفهانی» دارد. تاریخ اجرای این کتیبه ۱۰۵۵ ه.ق است. مدرسی طباطبایی (۱۳۵۷) در شرح بنا و تاریخچه آستانه شاهزاده حسین قزوین اشاره‌ای هم به آثار کتیبه‌ای مالک دیلمی (ف ۹۶۹ ه.ق) داشته است. کتابه‌های کاخ پادشاهی و ایوان چهلستون قزوین به خط وی بوده و بر شرفه درگاه باغ سعادت آباد نیز کتیبه‌ای به خط وی وجود داشته است. در ادامه این پژوهش، در پی شرح مفصل کتیبه‌های مجموعه شاهزاده حسین، متن کتیبه نستعلیق چوبی متعلق به در منبت شمالی بقعه به تاریخ ۹۶۷ ه.ق را ذکر کرده است. این کتیبه با رقم «کتبه خلیل الله بن سلیم الله» پایان یافته است.

بیانی (۱۳۶۳) در کتاب احوال و آثار خوشنویسان، شرح حال نسبتاً کاملی از خوشنویسان قلم‌های مختلف و نمونه آثارشان ارائه داده است. البته طبیعی است که برخی از آثار، به دلایل متعدد، از نگاه تیزبین ایشان دور افتاده است.

حسینی (۱۳۸۰) ضمن بررسی ویژگی‌های کتیبه‌نگاری در حرم مطهر رضوی، اشاره‌گذاری به کتیبه نستعلیق حجاری بالای در ایوان شرقی صحن عتیق، حاوی اشعاری در مدح شاه صفی به تاریخ ۱۰۴۴ ه.ق به رقم عبدالله دارد. آژند (۱۳۸۳) ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری نستعلیق، جدول زنجیره استاد شاگردی این قلم را، در عهد تیموری ارائه کرده و در جدولی دیگر، نسخه‌های خطی بازمانده از مکتب پیشین هرات را تنظیم نموده است.

خسروی بیژانم (۱۳۸۶) به طور اختصاصی کتیبه‌های نستعلیق مکتب اصفهان را بررسی و ارائه کرده است. در این پژوهش، هشت اثر کتیبه‌ای محمد صالح اصفهانی و

تدریجی صورت گرفته، نشان می‌دهد که نظام استاد - شاگردی، بین خوشنویسان، سامان‌مند و دقیق بوده است (آژند، ۱۳۸۳: ۳۵).

در بین شاگردان جعفر، اظهر تبریزی، در نگارش قلم نستعلیق بیش از دیگران مطرح بوده و سمت استادی سلطان‌علی مشهدی را داشته‌است. البته در تذکره خوشنویسان این چنین آمده‌است: «مولانا سلطان‌علی مشهدی اگرچه از مولانا اظهر تعلیم نگرفت، اما از خطوط وی بسا استفاده نموده و فیض وافر برداشت» (هفت قلمی دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۵). سلطان‌علی، به دستور سلطان حسین بایقرا، سنگ مزار وی را نوشت (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۶۱) و کتیبه‌های طولانی عمارات متعدده و طاق‌های رواق‌های مختلفه باغ جهان آرای مشهور به باغ مراد نیز، از آثار برجسته او به شمار می‌رود (ایرانی، بی‌تا: ۱۶۰ - قمی، ۱۳۸۳: ۶۱). لوح مزار سلطان‌علی، به شعر و قلم مولانا محمد ابریشمی نگاشته شده‌است (قمی، ۱۳۸۳: ۶۲ - بیانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۴۹). نکته قابل ذکر دیگری که در مورد سلطان‌علی باید بیان شود این است که قدیمی‌ترین کتیبه نستعلیق رقم‌دار به خط وی نوشته شده‌است. این اثر، سنگ مزاری در آرامگاه بستگان سلطان حسین بایقرا، در گازرگاه هرات است که تاریخ ۸۸۲ هـ ق را بر خود دارد (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۵۵ - اوکین، ۱۳۸۶: ۶۰۰ - قلیچ خانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵ - آژند، ۱۳۸۳: ۳۶). به بیانی واضح‌تر، کتیبه‌نگاری نستعلیق، با رقم سلطان‌علی مشهدی بر همین کتیبه، رسمیت می‌یابد. اگر چه نمونه‌های معدودی در لوح چند مقبره به تاریخ‌های ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۳ و ۸۶۶ هـ ق در هرات موجود است ولی هیچ‌یک از آن‌ها حاوی رقم خوشنویس نیست (قلیچ خانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و تا کنون در تذکره‌ها و شرح احوال خوشنویسان هم نشانی از کاتبان آن‌ها به دست نیامده‌است. با توجه به جایگاه رفیع اظهر در میانه‌های سده نهم هجری و نیز موقعیت اجتماعی افراد مدفون در این مقبره‌ها؛ به احتمال زیاد این الواح حجاری می‌تواند به خط وی باشد.

در بین خوشنویسان تیموری، غیر از آثار سلطان‌علی و محمد ابریشمی، کتیبه رقم‌دار دیگری دیده نشده‌است. در واقع، با در نظر گرفتن تاریخ نگارش کتیبه مولانا

خوشنویسی، رقابت میان مراکز هنری و خوشنویسان، خلاقیت و نیاز هنرمندان ایرانی به خطوط ایرانی و تسامح مذهبی تیموریان، اشاره نمود (عابدین‌پور و سمائی، ۱۳۸۹: ۵۷-۶۴). در این دوره، دستاوردهای ادبی برجسته‌ای مانند خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی و بوستان سعدی، خط خاص خود را می‌طلبید و نستعلیق که به تدریج کامل شد، عالی‌ترین بازتاب چنین اندیشه‌ها و عوالمی بود. نوآوری میرعلی تبریزی و هنرمندان دیگر، نتیجه اینچنین فضای فرهنگی و هنری ویژه‌ای بود (آژند، ۱۳۸۳: ۳۴) (تصویر ۱). در دوره سلطنت شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۳۰ هـ ق) و شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۳ هـ ق) (بیات، ۱۳۸۷: ۳۱۸)، سنت‌های خوشنویسی هرات تیموری به تبریز و قزوین منتقل گردید و با تغییراتی تدریجی به قانونمندتر شدن خطوط به ویژه نستعلیق منجر شد (پات، خضری و مظاهری، ۱۳۹۰: ۴۴).

رساله «فوائد الخطوط» تألیف درویش محمد بخاری در قرن دهم هجری، از منابعی است که برای کاربرد قلم‌های خوشنویسی، تمایز قائل شده‌است. وی در این رساله به صراحت، کاربری قلم‌های نسخ، تعلیق و نستعلیق را، این‌گونه مشخص کرده‌است: «پس بدان که علم فقه و حدیث و تفسیر را بخط نسخ نوشته‌اند و می‌نویسند زیرا که این خط، موضع از برای کلام حق تعالی است و این علوم مذکور و همه چیز را، به این خط می‌توان نوشت و او ناسخ خط‌های دیگر شده، و بعضی دیگر از متاخرین، خط تعلیق وضع کرده‌اند که او موضع از برای انشا و ترسل است و بعضی دیگر از متاخرین، خط نسخ تعلیق وضع کرده‌اند که او موضع از برای ابیات و اشعار است» (بخاری، ۱۳۷۳: ۳۱۱).

پس از میرعلی تبریزی، پسرش میرعبدالله و بعد از او میرزا جعفر تبریزی و اظهر تبریزی، در تکامل قلم نستعلیق کوشش‌ها کردند، تا نوبت به سلطان‌علی مشهدی، معروف به «قبله الکتاب» (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۶۱) رسید. اساتید زیادی پس از جعفر و سلطان‌علی، در تکامل تدریجی نستعلیق موثر بودند، همانند میرعلی هروی و سپس بعد از حدود یک قرن، میرعماد حسنی (ف ۱۰۲۴ هـ ق). دقیقاً همین نکته که در قلم نستعلیق تکامل



تصویر ۲. تکیه میر اصفهان، بخشی از کتیبه به قلم میر عماد، ماخذ: نگارنده



تصویر ۳. برخی از رقم‌های موجود در نمونه‌های جامعه آماری، ماخذ: نگارنده

توانایی شگفتی در نستعلیق خفی داشت. شاگرد او سلطان محمد نور نیز در همنشین کردن نستعلیق خفی و جلی مهارت داشت (سوچک، ۱۳۸۶: ۲۴ و ۳۱). خوشنویسان برجسته، مانند خطاطان دربار ابراهیم میرزا (وفات ۸۳۸ ه.ق.)، بایسنقر میرزا (وفات ۸۳۷ ه.ق.) و شاه طهماسب (حکومت ۹۳۰-۹۸۳ ه.ق.)، بارها در طراحی

محمد ابریشمی بر مزار سلطان علی، باید آن را در زمره کتیبه‌های صفوی به شمار آورد. با توجه به این نکات، می‌توان گفت تنها خوشنویس کتیبه‌نگار دوره تیموری، سلطان علی مشهدی است که شیوه خوشنویسی وی در کتیبه‌های دوره صفوی هم ادامه پیدا می‌کند. صفویان شیوه خوشنویسی سلطان علی مشهدی را بسیار می‌ستودند. او



تصویر ۴. قاب بندی آخر کتیبه سردر مسجد حکیم اصفهان، حاوی ماده تاریخ و تاریخ ۱۰۶۷ و رقم: «عمل میرزا محمد کاشی پز ۱۰۸۵». ماخذ: نگارنده

کاشی‌ها را برش می‌داد و چهارمی کتیبه‌ها را می‌نوشت. هرکدام جداگانه کار خود را امضا و چگونگی کار را در کتیبه تشریح می‌کرد (همان: ۳۳۸). وجود چنین امضاهای متعددی در یک بنا، نشان‌دهنده ارتقای شان هنرمندان دیگر مثل کاشی‌تراشان و خوشنویسان در کنار استاد کار اصلی است. هنرمندان خوشنویس نامشان بسیار بیشتر از قبل ثبت شده که امضای چند تن از آنان در گونه‌های مختلف معماری در جای‌جای ایران باقی مانده‌است. از این رو، گاه‌نگاری آثار و چگونگی پیشرفت آنها بر این اساس مقدور است. افزون بر این، شواهد با ارزش فوق نشان می‌دهند که از هنرمندان درجه یک، برای انجام کار در تمام کشور دعوت می‌شده‌است. آثار متعدد محمدرضا امامی در اصفهان، قم و مشهد و نیز علی‌رضا عباسی در اصفهان، مشهد، کرمان و قزوین مویید این مطلب است. کتیبه‌های باقیمانده نشان می‌دهد که خوشنویسان به مراتب جایگاه والاتری داشته‌اند، زیرا نام تعداد کمی از هنرمندان دیگر بیش از یک بار، در کتیبه‌ها ذکر شده‌اند. در عهد صفوی (۹۰۵ - ۱۱۳۵ هـ.ق) (بیات، ۱۳۸۷: ۲۸۵)، خوشنویسی در مرکز حیات فرهنگی و هنری جای داشت و آموختن خوشنویسی بخش جدایی ناپذیر تحصیلات همه کسانی بود که ذوق و علاقه فرهنگی داشتند. برخی از خوشنویسان علاوه بر کتابت مراسلات درباری و استنساخ نسخه‌های نفیس، به کتیبه نگاری نیز می‌پرداختند. «در منابع عصر صفوی، میرعلی هروی را، هنرمندی اثرگذار خوانده‌اند و برخی او را در خوشنویسی

کتیبه‌های عظیم بناها و اجرای آنها مشارکت داشته‌اند. مثلاً در مورد چگونگی ارتباط تزئینات نسخه‌های خطی و ابنیه، گفته می‌شد که ابراهیم استرآبادی برای سردر کاشیکاری آستانه حضرت معصومه (س) در قم، بیته به قلم نستعلیق نوشت (هیلن براند، ۱۳۹۰: ۳۵۹-۳۶۰). البته، در منبعی دیگر که موثوق‌تر می‌نماید، کاتب آن اسماعیل فرزند ابراهیم استرآبادی ذکر شده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵: ۷۶). بر خلاف کتاب آرای و کتابت، هیچ کارگاه هنری سلطنتی، جهت به کارگیری دایمی هنرمندان کتیبه نویس وجود نداشته‌است. از دیگر سو، کثرت اسامی موجود در کتیبه‌ها، حاکی از ذخیره عظیم ذوق حامیان و بانیان صفوی است (هیلن براند، ۱۳۹۰: ۳۳۹-۳۴۰). علاوه بر نام خوشنویسان، اسامی هنرمندان دیگری هم در کتیبه‌ها قابل رویت است که نشان از همکاری آنان با خوشنویسان و نیز افزایش جایگاه اجتماعی آنان در جامعه صفوی دارد. به بیانی دیگر، کتیبه‌های صفوی به دو دلیل نشان‌دهنده ارتقاء موقعیت هنرمندان است: نخستین عامل، میزان آثار به جا مانده است که چندین کتیبه به بناها الحاق می‌شد و این امر حاکی از اعتماد به نفس بیشتر هنرمندان نسبت به دوره‌های قبل بود که بناها یا کتیبه نداشتند یا فقط یک کتیبه در آنها نصب می‌گردید. این اعتماد به نفس، زاده مرتبه ارتقا یافته آنان بود. دو دیگر این که، این کتیبه‌ها دارای شواهدی دال بر تمایل جدید مبنی بر تقسیم و تسهیم برپایی یک بنا بین افراد مختلف بود. یک هنرمند طراحی می‌کرد، دیگری می‌ساخت، سومی



تصویر ۶. کتیبه حجاری سردر ایوان شرقی صحن عتیق حرم مطهر رضوی، حاوی رقم: «نمقه عبدالله» در گوشه سمت چپ کتیبه، ماخذ: نگارنده.



تصویر ۵. کتیبه کاشی معرق سردر آب انبار مصلی عتیق یزد، حاوی رقم: «کتبه عبدالوهاب»، ماخذ: نگارنده.

حافظ که در تکیه میر اصفهان اجرا شده و در آخرین قاب‌بندی، رقم «کتبه العبد عماد الحسنی» را بر خود دارد (روح‌الامین: ۱۳۸۶: ۱۵۳). «در زمان میر، اکبر شاه هندی از هندوستان به دیدن شاه عباس آمد. هنگام مراجعت از صنایع اصفهان هر کدام چیزی خواست، من جمله از خطوط میر هم غزل معروف خواجه را، روضه خلد برین خلوت درویشان است، به طور کتیبه که به خط میر نوشته شده بود، جزو هدایا به او دادند، برد هندوستان. بعد از روی آن کرده برداشته آوردند در تکیه میر که هنوز باقی است» (اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۲۱) (تصویر ۲).

میرعماد، خوشنویسی را نزد عیسی رنگ کار و مالک دیلمی و ملامحمد حسین تبریزی آموخت. ملا محمد حسین تبریزی علاوه بر میرعماد، استاد علی‌رضا عباسی نیز بود. بیشتر مساجد تبریز به خط جلی وی تزئین شده بوده که به مرور زمان و زلزله از میان رفته‌است (ایرانی، بی تا: ۲۲۶-۲۲۷). از جمله معروف‌ترین شاگردان میرعماد، می‌توان به این افراد اشاره کرد: میر ابراهیم (پسر میرعماد)، گوهرشاد (دختر میرعماد)، نورالدین محمد لاهیجی، نورالدین اصفهانی (نورا)، عبدالرشید دیلمی (رشیدا)، عبدالجبار اصفهانی، محمد شفیع فرزند عبدالجبار، عبدالرزاق، فیضا، محمد صالح خاتون‌آبادی، حاجی جمال بن ملک محمد شیرازی (جمالا)، نورای اصفهانی، مختاربیگ قزوینی، محراب بیگ قزوینی، میرساوجی، سید علی جواهر رقم، میر یحیی اصفهانی، علا الدین سبزواری، درویش عبدیخارائی، میر محمد مقیم تبریزی، میرزا تقی مستوفی الممالک و ابوتراب اصفهانی (قدسی، ۱۳۷۸: ۴۴ - ایرانی، بی تا: ۱۲۳، ۲۴۰ - بیانی، ۱۳۶۳: ۳۶۶، ۴۲۳، ۷۶۲، ۹۴۷، ۹۶۸ - کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۲۴). علاوه بر خوشنویسان ایرانی، مقلدان خط میرعماد در میان خوشنویسان عثمانی و هند، بسیار بوده‌اند. در میان شاگردان میر، عبدالرشید شیوه وی را به هند منتقل نمود (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۳: ۷-۹ - ۱۴). به عقیده حیدر علی اصفهانی، کتیبه اطراف در نقره مسجد امام اصفهان، به خط رشیدا یا علی‌رضا عباسی

هم‌آورد سلطان علی مشهدی دانسته‌اند. شیوه این خوشنویس در هندوستان نیز علاقه‌مندان بسیار داشت (همان: ۲۴). میرعلی، از سادات حسینی هرات بود که به دربار سلطان حسین بایقرا، راه یافت و عنوان «سلطانی» و «کاتب السلطانی» دریافت کرد. عیدالله ازبک در ۹۳۵ هـ.ق به هرات حمله کرد و جمعی از بزرگان و هنرمندان، من جمله: میرعلی را با خود به بخارا برد (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۹۳-۴۹۴). بر اساس شعری از میرعلی هروی که در حاشیه چلیپایی از غزل حافظ نوشته و در گالری فریر واشنگتن موجود است: «به جز قلم ننهد کس به حرف من انگشت / نویسم ار به مثل از کتابه تا به غبار» (سوچک، ۱۳۸۶: ۳۵)، احتمالاً وی در کتیبه‌نگاری نیز فعالیت‌هایی داشته‌است. قاضی احمد منشی قمی، دو کتیبه واقع در دارالسیاده حرم رضوی را از میرعلی هروی می‌داند و متن کتیبه‌ها را نیز ذکر می‌کند (قمی، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰). با این حال، به دلیل موجود نبودن این دو اثر، امروزه نمی‌توان در مورد کیفیت آن‌ها نظر قاطعی صادر کرد.

یکی از شاگردان و پیروان میرعلی، سید احمد الحسینی مشهدی بود که مدتی در بخارا و سپس در دربار شاه طهماسب فعالیت می‌کرد (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۵). در کنار او، برجسته‌ترین خوشنویس اواخر عهد شاه طهماسب، مالک دیلمی بود. او در نستعلیق پیرو شیوه سلطان‌علی بود و بر قلم‌های ششگانه نیز چنان تسلط داشت که برخی او را یاقوت زمانه خوانده‌اند. وی که چندین کتیبه نستعلیق در بناهای قزوین نوشته است؛ در سال ۹۶۹ هـ.ق درگذشت و در شاهزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۷: ۱۵۳ - قمی، ۱۳۸۳: ۹۷ - سوچک، ۱۳۸۶: ۳۶).

میرعماد حسینی قزوینی (۹۶۱-۱۰۲۴ هـ.ق) خوشنویس نامدار، از سادات حسینی بود و از این رو امضایش اغلب «میرعماد الحسنی» است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۷). وی از معدود اساتید متقدم نستعلیق است که کتیبه حاوی رقم از وی به جا مانده‌است. این اثر که تنها اثر کتیبه‌ای میرعماد محسوب می‌شود، غزلی است از





تصویر ۷. کتیبه کاشی معرق طرفین ورودی مسجد امام اصفهان، حاوی رقم: «ادیب مجلسی» ماخذ: نگارنده.

۱۳۷۸: ۳۶ - قلیچ خانی، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۳ - هراتی، ۱۳۸۶: ۶ - خسروی بیژانم و یزدانی، ۱۳۹۰: ۶).

### کتیبه نویسان نستعلیق صفوی

با توجه به رقم‌های موجود در آثار کتیبه‌ای که تعدادی از آن‌ها در تصویر ۳ قابل مشاهده است؛ بر پایه فعالیت‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، تعدادی از نستعلیق‌نویسان که در کتیبه‌نویسی نیز فعال بوده‌اند، شناسایی شده‌اند. نتایج حاصله در این زمینه، در جدول ۱ درج شده است. نام برخی از این خوشنویسان به استناد منابع مکتوب در جدول قرار گرفته، در حالی که امروزه نشانی از آثار معرفی شده آنان وجود ندارد. به عنوان مثال، امروزه نشانی از کتیبه حمام خلیل نیزه‌چی مشهد، به خط سلطان علی مشهدی وجود ندارد. همچنین از آثار مولانا ادهم، میر علی هروی، مالک دیلمی، محمد حسین تبریزی و محمد شفیع هروی، جز نام و توضیح بسیار مختصری در منابع مکتوب، چیزی یافت نمی‌شود. نکته قابل ذکر دیگر، اینکه؛ در مواردی چند که شرح حال خوشنویسان قابل دسترسی است، به نمونه آثار کتیبه‌ای آن‌ها اشاره‌ای نشده که بر پایه تاریخ و رقم‌های موجود در کتیبه‌ها، قابل انتساب به این خوشنویسان هستند.

نام و شرح حال مختصر تعدادی از خوشنویسان کتیبه‌ها در تذکره الخطاطین ذکر شده است. محمد صالح در این رساله؛ نام ابوالفتوح گلستانه، ولایت الله گلپایگانی و ابوالمعالی نقیب را ذیل شاگردان خود معرفی نموده و چنین شرح داده است: «میرزا ابوالفتوح گلستانه خوشنویس است اما مشغول اعمال دیوانی است» (اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ «مرحوم آقا ولایت‌الله گلپایگانی طبع موزونی داشت. خوش شعر بود. کمالات دیگر هم داشت. خوشنویس حسابی بود. کتابه در مدرسه واقعه چهارسوق محله بیدآباد [مدرسه میرزا حسین] خط اوست» (همان)؛ «عالیحضرت میرزا ابوالمعالی نقیب‌الاشراف دارالسلطنه اصفهان، چهار مصرع نویسی در بند ایشان است و بسیار تند و به صفا و به قدرت و به اندام هر قلمی را می‌نویسند اما کم مشقند» (همان). در هشتی ورودی مدرسه نیم آورد اصفهان، کتیبه گچی بدون تاریخی موجود است

است (اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۲۲)؛ با این حال، محمد صالح اصفهانی در تذکره الخطاطین، صراحتاً، علی‌خان بیک تویسرکانی را کاتب این کتیبه می‌داند (اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۲).

از شاگردان و پیروان میرعماد که آثار کتیبه‌ای آنان در این دوره صفوی موجود است، می‌توان به نورای اصفهانی (کتیبه مسجد آقا نور اصفهان)، محمد شفیع (مدرسه پیغمبریه قزوین) و میرزا ابوتراب (مدرسه شفیعیه اصفهان) اشاره کرد (اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۲۳) که در زمره شاگردان بلاواسطه میر به‌شمار می‌روند. از دیگر خوشنویسان عهد صفوی که با واسطه شاگرد میرعماد محسوب می‌شود، محمد صالح اصفهانی مولف تذکره الخطاطین و فرزند میرزا ابوتراب است که آثار کتیبه‌ای بسیاری در بناهای اصفهان دارد.

در کنار میرعماد، از برجسته‌ترین خوشنویسان دوره صفوی، باید از علی‌رضا عباسی نام برد. وی از طرف شاه عباس صفوی، به لقب شاهنواز خان ملقب گردید. قلم‌های نسخ و ثلث را با استادی تمام می‌نوشت و در قلم نستعلیق شیوه‌ای خاص داشت (قدسی، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۶). پس از آنکه در زمان شاه محمد خدابنده؛ ترکان عثمانی تبریز را به تصرف آوردند، علی‌رضا از آنجا بیرون آمد و به قزوین رفت و در مسجد جامع آن شهر منزل گرفت و به کار کتابت مشغول شد و قسمتی از کتیبه‌های آن مسجد را، با چند قرآن در آنجا تمام کرد (قمی، ۱۳۸۳: ۴۰). امضاء یا رقم او، در این زمان «علیرضا الکتاب» بوده و بدین رقم از سال ۹۸۱ تا ۹۹۰ هـ ق کتابت از او دیده شده است. پس از آن که در سال ۱۰۰۱ هـ ق، به خدمت شاه عباس درآمد و سمت خوشنویس پادشاهی را یافت، «عباسی» رقم می‌کرد و شاه جمعی از خوشنویسان، مانند؛ محمدرضا امامی و محمدصالح اصفهانی ۱ و عبدالباقی تبریزی را، بدو سپرد تا زیردست او، قلم ثلث را بیاموزند (هراتی، ۱۳۸۶: ۵). از کتیبه‌های نستعلیق علی‌رضا عباسی موارد زیر قابل ذکر است: کتیبه الواح زرین دور ضریح صفوی حرم رضوی که به استادی مست‌علی زرگر ساخته شده است، رقم سردر مدرسه گنجعلی خان کرمان و سر در خواجه ربیع مشهد، سردر آب انبار شیخ جام (قدسی،

۱. با محمدصالح اصفهانی خوشنویس نستعلیق اواخر صفویه اشتباه نشود (خسروی بیژانم، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

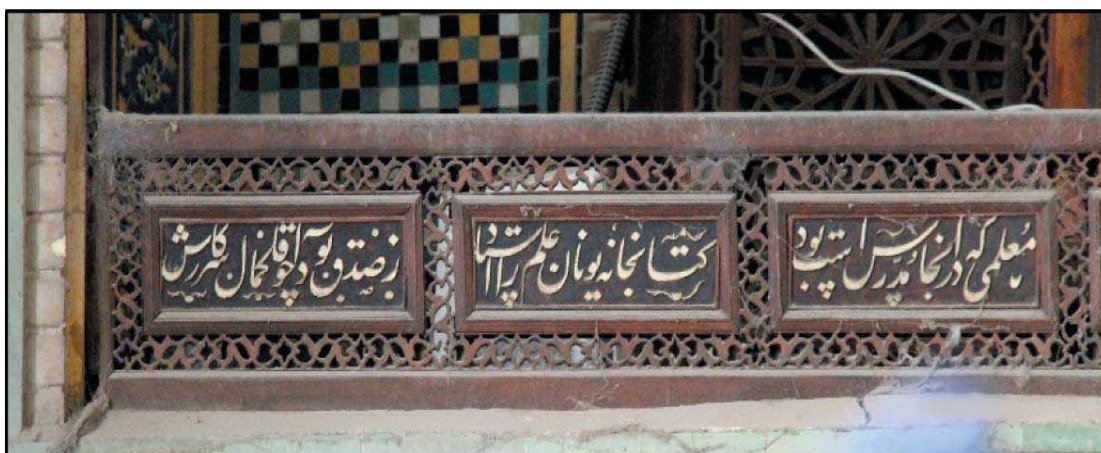


تصویر ۸. نیمه بالایی کتیبه حجاری مسجد علی اصفهان، حاوی نام خوشنویس در انتهای سطر عمودی سمت چپ: «محمد معصوم الحسینی التامی» ماخذ: نگارنده.

شرح درج نموده است: «فرزند ملا عبدالجبار، آقا شفیعا که ملازم کتابخانه بوده در مزار بابا رکن الدین اصفهان مدفون است» (همان: ۲۰): از این خوشنویس یک کتیبه حجاری در مدرسه پیغمبریه قزوین با رقم: «کتبه الفقیر شفیع بن عبدالجبار فی ۱۰۵۴» موجود است. «میرزا نورای ولد قاضی غلام علی شاگرد میر بوده که به هند رفته و در آنجا کتیبه مسجد آقانور اصفهان را نوشته است» (همان: ۲۲) این کتیبه که به شیوه کاشی خشتی اجرا شده، در قاب پایانی، حاوی شعری با ماده تاریخ ۱۰۳۴ ه.ق و رقم «کتبه العبد نورا» است. «میر ابوالقای ابرقوهی از شاگردان محمد امین مشهدی در هند بوده که مدتی از

که رقم «کتبه ابوالفتوح گلستانه» در قاب بندی پایانی آن دیده می شود. همچنین، رقم «ولایت الله گلپایگانی» در دو قاب ترنج مجزا، در بخش های پایانی کتیبه کاشی خشتی مدرسه میرزا حسین به تاریخ ۱۰۹۹ ه.ق موجود است. ابوالمعالی نقیب، سومین شاگرد محمد صالح است که اثر کتیبه ای وی در حاشیه شاهنشین صفا استاد مسجد جامع اصفهان به چشم می خورد. قاب پایانی این کتیبه کاشی خشتی، رقم خوشنویس را در بر دارد: «کتبه المذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲».

محمد صالح، در بخش های دیگر همین رساله، نام چند تن دیگر از کتیبه نویسان را در خلال نام خوشنویسان بدین



تصویر ۹. کتیبه رویه کوبی چوب در هشتی ورودی مدرسه چهارباغ اصفهان، حاوی رقم: «کتبه محمد صالح» در قاب پایانی، ماخذ: نگارنده



تصویر ۱۰. کتیبه حجاری مسجد مصری اصفهان، حاوی رقم: «کتبه العبد المذنب المحتاج / محمدرضا امامی اصفهانی» در طرفین بالای کتیبه، مأخذ: نگارنده.

هند برسالت نزد شاه عالمپناه فلک بارگاه شاه عباس آمده بود از ایروان در سنه ۱۰۱۳مرخص شده بود / باینجا رسید این چند بیت از خمسه که در راه باتمام رسیده بود ثبت نمود قایله و راقمه محمد معصوم الحسینی النامی» (تصویر ۸). میر معصوم در پایان متن کتیبه حجاری موجود در مجموعه سلطانیه زنجان، نام و نسب خود را این گونه رقم زده است: «قایله و راقمه محمد معصوم الترمذیاباً و السبزواری امأ و البکری موطناً و النامی تخلصاً» (قاسمی اندرود، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

نام‌های ۴۴ نفر از خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق صفوی، بر اساس مستندات، در جدول ۱ ذکر شده‌است. بر پایه داده‌های این جدول، بیشترین رقم‌های موجود به ترتیب فراوانی متعلق به محمد صالح اصفهانی (تصویر ۹)، محمدرضا امامی (تصویر ۱۰)، علی نقی امامی، سلطان علی مشهدی، میرمعصوم بکری، حسن شاملو و علی‌رضا عباسی است.

هند به اصفهان آمده و کتابه در مسجد حکیم داوود خط اوست» (همان). کتیبه سردر مسجد حکیم رقم ندارد که با این تصریح، اثر میر ابوالبقا است. به گواه تاریخ‌های موجود در انتهای این کتیبه، این اثر در ۱۰۶۷ ه.ق نوشته شده و در ۱۰۸۵ ه.ق بر کاشی نقش بسته‌است (تصویر ۴).

همان گونه که ذکر شد، در کنار نام خوشنویسان شناخته شده‌ای مانند میر عماد و علی‌رضا عباسی، شمار زیادی از این خوشنویسان کمتر شناخته شده‌اند که ذکر نام تنی چند از آنان بیان شد. علاوه بر این افراد، نام تعدادی از کتیبه‌نگاران نیز در جامعه آماری این پژوهش دیده می‌شود که تا کنون دستیابی به سرنوشت آنان میسر نشده و در اکثر موارد، اثر کتیبه ای دیگری از این خوشنویسان به دست نیامده است؛ خوشنویسانی چون عبدالوهاب (تصویر ۵)، نظام الدین حافظ، عبدالله (تصویر ۶)، ادیب مجلسی (تصویر ۷) و محمد خان. در کتیبه‌های سردر آب انبار مصلی عتیق کوچک یزد و آب انبار باغ گندم یزد، رقم دو تن از خوشنویسان اواسط قرن دهم هجری بدین ترتیب به جای مانده است: «کتبه عبدالوهاب» و «المذنب نظام الدین الحافظ». در طرفین ورودی مسجد امام اصفهان، کتیبه بدون تاریخی موجود است که در دو قاب ترنج هشت پر، نام خوشنویس بدین شرح درج شده است: «کتبه العبد المذنب الراجی / ادیب مجلسی». در ایوان شرقی حرم مطهر رضوی، کتیبه ای سنگی متعلق به سال ۱۰۴۴ ه.ق، به دو قلم ثلثو نستعلیق موجود است که با رقم «نمقه عبدالله» به پایان رسیده است (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). در انتهای کتیبه حجاری دیگری در مشهد، منصوب بر دیوار مدرسه علمیه نواب، رقم «کتبه محمد خان» قابل مشاهده است. علاوه بر این موارد، رقم‌های زیر را نیز می‌توان به عنوان مستندات متقن بیان نمود: «کتبه العبد محمد مومن» در انتهای کتیبه حجاری سردر آب انبار مصلی عتیق بزرگ یزد به تاریخ ۱۰۴۰ ه.ق (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۰۵)، «نمقه الفقیر الحقیر الضعیف النحیف درگاهقلی الشریف» در انتهای کتیبه حجاری مسجد جامع کرمان به تاریخ ۱۰۷۲ ه.ق و «حسب الامر الاعلی کمترین محمد مقیم الموسوی قلمی نمود فی شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۷» در انتهای کتیبه گچبری امامزاده سلطان علی بن محمد باقر در مشهد اردهال.

علاوه بر خوشنویسان ایرانی، یکی از خوشنویسان غیر ایرانی و شناخته شده این کتیبه‌ها، که البته نسبی ایرانی دارد؛ میر محمد معصوم الحسینی نامی بکری از امرای جلال الدین اکبر شاه والی هند است که اشعار بسیاری گفته و در ۱۰۱۵ ه.ق درگذشته‌است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۷۸). یکی از آثار وی، سنگ نوشته منصوب بر جرز غربی ایوان شمالی مسجد علی اصفهان است که در دو طرف کتیبه به صورت عمودی چنین آمده‌است: «در حینی که از

جدول ۱. خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق صفوی، ماخذ: همان.

فرآوانی (حداقل)	نمونه آثار	خوشنویسان	
۴	حمام خلیل نیزه چی مشهد، اوایل قرن ۱۰ ه.ق	سلطان علی مشهدی	۱
۱	سنگ مزار سلطان علی مشهدی	مولانا محمد ابریشمی	۲
۴	کتابه‌های منازل بزرگان اصفهان	مولانا ادهم	۳
۲	دارالسیاده حرم رضوی، ۹۳۸ ه.ق	میرعلی هروی	۴
۲	صفه صاحب مسجد جامع اصفهان، ۹۳۸ ه.ق	کمال الدین حسین حافظ هروی	۵
۲	حاشیه سردر مسجد قطیبه اصفهان، ۹۵۰ ه.ق	ابو سعید امامی	۶
۱	آستانه حضرت معصومه (س) قم، دوره شاه طهماسب	اسماعیل بن ابراهیم استرآبادی	۷
۱	مسجد جوباره اصفهان، ۹۵۵ ه.ق	شیخ محمد بابر	۸
۱	آب انبار مصلی عتیق کوچک یزد، ۹۵۷ ه.ق	عبدالوهاب	۹
۱	در شاهزاده حسین قزوین، ۹۶۷ ه.ق	خلیل الله بن سلیم الله	۱۰
۱	آب انبار باغ گندم یزد، ۹۷۱ ه.ق	نظام الدین حافظ	۱۱
۲	ایوان چهلستون قزوین، ۹۶۶ ه.ق	مالک دیلمی	۱۲
۴	مساجد تبریز، نیمه دوم قرن ۱۰ ه.ق	محمد حسین تبریزی	۱۳
۱	حجاری تالار میانی جامع اصفهان، ۹۸۵ ه.ق	صحیفی جوهری	۱۴
۱	امامزاده حمزه بوانات، ۱۰۰۷ ه.ق	بمان علی	۱۵
۳	ضریح حرم رضوی، ۱۰۱۱ ه.ق	علی‌رضا عباسی	۱۶
۲	تکیه میر اصفهان	میر عماد	۱۷
۴	مزار شیخ جام، ۱۰۱۲ ه.ق	میر معصوم بکری	۱۸
۱	چهار پادشاه لاهیجان، ۱۰۱۵ ه.ق	محمد بن داود کیا	۱۹
۱	مسجد آقانور اصفهان، ۱۰۳۴ ه.ق	نور الدین اصفهانی	۲۰

۱	مدرسه مصلی یزد، ۱۰۳۵ ه.ق	زین العابدین یزدی	۲۱
۱	سردر مسجد امام اصفهان	ادیب مجلسی	۲۲
۱	آب انبار مصلی عتیق بزرگ یزد، ۱۰۴۰ ه.ق	محمد مومن	۲۳
۱	سنگ مزار پدرش، ۱۰۴۲ ه.ق	محمد شفیع هروی	۲۴
۳	خواجه عبدالله هرات، ۱۰۴۹ ه.ق	حسن بن حسین شاملو	۲۵
۲	قلعه سرخ دهلی	عبدالرشید دیلمی	۲۶
۱	ایوان شرقی حرم رضوی، ۱۰۴۴ ه.ق	عبدالله	۲۷
۱	در مسجد امام اصفهان، ۱۰۴۶ ه.ق	علی‌خان بیک تویسرکانی	۲۸
۱	مدرسه پیغمبریه قزوین، ۱۰۵۴ ه.ق	شفیع ابن عبدالجبار	۲۹
۱	مدرسه شفیعیه اصفهان	ابوتراب اصفهانی	۳۰
۱	سردر مدرسه حاجی قرچغای بیک	آقا حسین لواسانی	۳۱
۱	بقعه امامزاده عبدالله و عبیدالله دماوند، ۱۰۶۷ ه.ق	خلیل‌الله بن کمال‌الدین	۳۲
۱	مسجد حکیم داوود اصفهان، ۱۰۶۷ ه.ق	میر ابوالبقای ابرقوهی	۳۳
۶	هارون ولایت اصفهان، ۱۰۶۷ ه.ق	محمد رضا امامی	۳۴
۲	مسجد جامع مظفری کرمان، ۱۰۷۲ ه.ق	درگاهلی شریف	۳۵
۲	مسجد جامع قزوین، ۱۰۶۹ ه.ق	کاوس نقاش (مصور)	۳۶
۱	مدرسه نواب مشهد، ۱۰۸۶ ه.ق	محمد صالح	۳۷
۱	مدرسه نواب مشهد، ۱۰۹۰ ه.ق	محمد خان	۳۸
۱	مدرسه میرزا حسین اصفهان، ۱۰۹۹ ه.ق	ولایت الله گلپایگانی	۳۹
۱	مسجد جامع اصفهان، ۱۱۱۲ ه.ق	ابوالمعالی نقیب حسینی	۴۰
۶	بقعه شعیب نبی اصفهان، ۱۱۱۲ ه.ق	علی نقی امامی	۴۱
۱	امامزاده علی بن محمد باقر ارده‌ال، ۱۱۱۷ ه.ق	محمد مقیم موسوی	۴۲

۴۳	محمد صالح اصفهانی	مدرسه چهارباغ اصفهان، ۱۱۱۸ ه.ق	۱۰
۴۴	ابوالفتوح گلستانه	مدرسه نیم‌آورد اصفهان	۱
۸۱	جمع نمونه‌های حاوی رقم (حداقل)		
۱۴۶	نمونه‌های بدون رقم (حداقل)		
۲۲۷	کل نمونه‌های مورد مطالعه (حداقل)		

### نتیجه

امروزه پذیرفته شده که آموختن خوشنویسی، بخش جدایی ناپذیر ذوق و علاقه فرهنگی جامعه صفوی بوده است. برخی از خوشنویسان این دوره، علاوه بر کتابت نامه‌های درباری و استنساخ نسخه‌های نفیس، به کتیبه‌نگاری نیز پرداخته‌اند. از طرفی، جامعه خوشنویسی صفوی، به کارگیری قلم نستعلیق را برای نوشتن ابیات و اشعار پذیرفته و پسندیده بود. آنچه به وضوح در این میان قابل مشاهده است، ظهور و حضور کتیبه نگاران در کنار سایر هنرمندان دوره صفوی است. با توجه به این که بسیاری از خوشنویسان شناسایی شده در این پژوهش، در استنساخ و قطعه نویسی پُرکار نبوده‌اند؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که غالباً به کتیبه نویسی اشتغال داشته‌اند. این امر، خود نشان دهنده اهمیت این گونه آثار در بازه زمانی پژوهش حاضر است. به عبارتی، بستر هنری و فرهنگی عهد صفوی به گونه ای رقم خورد که شاخه جدیدی از فعالیت هنری در قالب کتیبه نگاری نستعلیق در تزیینات وابسته به معماری این دوره، به طور مستقل، پدیدار گشت. نتایج پژوهش بنیادی حاضر که در راستای شناسایی کتیبه نویسان نستعلیق در بناهای بازمانده از دوره صفوی، به شیوه اکتشافی انجام پذیرفت؛ نشان دهنده آن است که از ۲۲۷ کتیبه در دسترس به روش کتابخانه‌ای و میدانی، ۸۱ اثر حاوی رقم خوشنویس بوده و در این میان، نام ۴۴ خوشنویس قابل ذکر است. بر پایه نتایج حاصله، کتیبه‌نویسی نستعلیق صفوی، با سلطان علی مشهدی در ابتدای قرن دهم هجری آغاز شده و توسط خوشنویسانی مانند علی نقی امامی و محمد صالح اصفهانی به پایان رسیده است. در کنار نام خوشنویسان شناخته شده ای مانند سلطان علی مشهدی، میر عماد و علی رضا عباسی، نام و شرح حال مختصر تعدادی از خوشنویسان کتیبه‌ها در منابع موجود ذکر شده و قابل دسترسی است: صحیفی جوهری، ابوتراب اصفهانی، علی خان بیک توپسرکانی، ابوالفتوح گلستانه، ولایت‌الله گلپایگانی، درگاه‌قلی شریف، ابوالمعالی نقیب، شفیع بن عبدالجبار، نورا و میر ابوالبقای ابرقوهی. علاوه بر این خوشنویسان، نام تعدادی از کتیبه‌نگاران نیز در نمونه‌های آماری این پژوهش دیده می‌شود که تاکنون دستیابی به سرنوشت آنان میسر نشده و در اکثر موارد، اثر کتیبه‌ای دیگری از این خوشنویسان به دست نیامده است؛ خوشنویسانی چون عبدالوهاب، نظام الدین حافظ، ادیب مجلسی، عبدالله، محمد خان، محمد مومن، بمان علی، خلیل‌الله، محمد مقیم موسوی، افزون بر موارد فوق، می‌توان گفت از آثار کتیبه‌ای مولانا دهم، میر علی هروی، مالک دیلمی، محمد حسین تبریزی و محمد شفیع هروی، جز نام و توضیح بسیار مختصری در منابع مکتوب، چیزی یافت نمی‌شود که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. همچنین تحلیل فرمی و شیوه شناسی این آثار نیز از قابلیت‌های پژوهشی است که می‌تواند توسط سایر علاقه‌مندان صورت انجام پذیرد.

فراوانی نمونه‌های موجود نشان دهنده آن است که محمد صالح اصفهانی، محمد رضا امامی، علی نقی امامی، سلطان علی مشهدی، میر معصوم بکری، علی رضا عباسی و حسن شاملو، به ترتیب از فعال‌ترین خوشنویسان این عرصه در دوره صفوی محسوب می‌شوند.

### منابع و مأخذ

- اصفهانی، حیدر علی بن محمد مهدی ملقب به ندیم‌الملک، ۱۳۹۱، رساله در تاریخ اصفهان، به کوشش مسعود غلامیه و یوسف بیگ باباپور، پیام بهارستان، سال ۵، ش ۱۷، صص ۳۱۴-۳۳۶.
- اصفهانی، محمد صالح بن ابوتراب، ۱۳۸۶، تذکره الخطاطین، به کوشش پژمان فیروز بخش، نامه بهارستان، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۱۳-۳۴.
- اوکین، برنارد، ۱۳۸۶، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ایرانی، عبدالمحمد، بی‌تا، پیدایش خط و خطاطان، تهران: یساوولی.
- آژند، یعقوب، ۱۳۸۳، خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات: دوره پیشین، با تاکید بر قلم نستعلیق، کتاب ماه هنر، ش ۶۹ و ۷۰، صص ۲۴-۳۶.
- بخاری، درویش محمد بن دوست محمد، ۱۳۷۳، فوائد الخطوط، در کتاب: رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، به کوشش حمیدرضا قلیچ خانی، صص ۳۰۵-۳۹۸، تهران: روزنه.
- بیات، عزیز الله، ۱۳۸۷، کلیات تاریخ تطبیقی ایران، تهران: امیرکبیر.
- بیانی، مهدی، ۱۳۶۳، احوال و آثار خوشنویسان، چاپ دوم، تهران: علمی.
- پات، فریبا، خضری، سیداحمد رضا. مظاهری، مهرانگیز، ۱۳۹۰، خوشنویسی در آغاز عصر صفوی؛ تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۴، ش ۱، صص ۳۳-۴۸.
- جباری، صداقت، ۱۳۸۷، تکوین و تطور قلم نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری، هنرهای زیبا، ش ۳۳، صص ۷۷-۸۴.
- جعفری، علی اکبر، ۱۳۵۵، سنگ نوشته‌های میر معصوم بکری، هنر و مردم، ش ۱۶۹ و ۱۷۰، صص ۱۷-۲۶.
- حسینی، سید هاشم، ۱۳۸۰، درآمدی بر شناخت کتیبه‌های دوره صفوی در حرم امام رضا (ع)، فصلنامه مشکوه، ش ۷۲ و ۷۳، صص ۱۳۶-۱۴۵.
- خسروی بیژانم، فرهاد. یزدانی، ملیکا، ۱۳۹۰، معرفی کتیبه منحصر به فرد آب انبار مجموعه شیخ جام به خط نستعلیق علی رضا عباسی، همایش ملی هنر اسلامی، دانشگاه بیرجند.
- خسروی بیژانم، فرهاد، ۱۳۸۶، نستعلیق در کتیبه‌های مکتب اصفهان با تکیه بر آثار محمد صالح اصفهانی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین المللی مکتب اصفهان، صص ۱۰۱-۱۲۱، تهران: فرهنگستان هنر.
- دانش یزدی، فاطمه، ۱۳۸۷، کتیبه‌های اسلامی شهر یزد، یزد: سبحان نور - پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- روح‌الامین، سید احسان، ۱۳۸۶، داستان کتیبه میرفندرسکی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین المللی مکتب اصفهان، صص ۱۴۵-۱۶۵، تهران: فرهنگستان هنر.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۶۶، از آستارا تا آستارباد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سوچک، پریسیلا، ۱۳۸۶، خوشنویسی در اوایل دوره صفویه، گلستان هنر، ترجمه ولی الله کاوسی، ش ۱۰، صص ۲۴-۳۹.

- عابدین پور، وحید. سمائی، معصومه، ۱۳۸۹، علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، ش ۸، صص ۵۵-۸۶.
- عالی افندی، مصطفی، ۱۳۶۹، مناقب هنروران، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: سروش.
- فضائلی، حبیب الله، ۱۳۸۴، تعلیم خط، چاپ نهم، تهران: سروش.
- قاسمی اندرود، پرستو، ۱۳۸۷، سنگ نوشته یادمانی سفیر اکبر شاه گورکانی هند به سال ۱۰۱۲ ه.ق در گنبد سلطانیه، پیام باستان شناس، سال پنجم، ش ۱۰، صص ۱۳۰-۱۳۴.
- قدسی، منوچهر، ۱۳۷۸، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، اصفهان: گله‌ها.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۷۳، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران: روزنه.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۸۵، کهن‌ترین سنگ نوشته‌های نستعلیق، مجموعه مقالات تخصصی خط و کتابت، صص ۱۴۳-۱۵۲، تهران: پژوهشکده هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۸۶، درخشان‌ترین خوشنویس دربار شاه عباس: علی رضا عباسی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین‌المللی مکتب اصفهان، صص ۵۱-۷۲، تهران: فرهنگستان هنر.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۹۲، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، تهران: فرهنگ معاصر.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۹۲، زرافشان: فرهنگ اصطلاحات و ترکیبات خوشنویسی، کتاب آرایی و نسخه پردازی در شعر فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، عبدالرشید دیلمی، تهران: پیکره.
- قمی، قاضی احمد، ۱۳۸۳، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ چهارم، تهران: منوچهری.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی، ۱۳۸۰، احوال و آثار میر عماد الحسنی السیفی القزوینی، لندن.
- مایل، رضا، ۱۳۵۵، برخی از کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌های هرات، کابل: بیهقی.
- مدرس طباطبایی، ۱۳۵۰، مدارس قدیم قم: مدارس قم در دوره صفویه ۵، ماهنامه وحید، ش ۹۴، صص ۱۰۱۵-۱۰۲۰.
- مدرس طباطبایی، ۱۳۵۰، مدارس قدیم قم: مدارس قم در دوره صفویه ۶، ماهنامه وحید، ش ۹۵، صص ۱۲۴۷-۱۲۵۲.
- مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۷، آستانه شاهزاده حسین در قزوین، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ۱۳، ش ۷۸، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، ۱۳۵۵، تربت پاکان، جلد ۱، قم: چاپخانه مهر.
- هراتی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، علی رضا عباسی و مصحف نفیس کتابخانه آستان قدس رضوی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین‌المللی مکتب اصفهان، صص ۱-۲۹، تهران: فرهنگستان هنر.
- هروی، میر علی، ۱۳۷۳، مداد الخطوط، در کتاب: رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، به کوشش حمیدرضا قلیچ‌خانی، صص ۱-۱۴، تهران: روزنه.
- هفت قلمی دهلوی، مولانا محمد، ۱۳۷۷، تذکره خوشنویسان، تهران: روزنه.
- هنر فر، لطف الله، ۱۳۴۴، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: کتابخانه تقی.
- هنر فر، لطف الله، ۱۳۴۸، فهرست کتیبه‌های تاریخی در آثار باستانی اصفهان، ماهنامه معارف اسلامی، ش ۱۰، صص ۵۵-۶۳.
- هیلن براند، رابرت، ۱۳۹۰، معماری صفوی، در کتاب: تاریخ ایران کمبریج جلد ۶، قسمت سوم: دوره صفوی، ویراستار پیتیر جکسون و لورنس لاکهارت، ترجمه تیمور قادری، صص ۲۴۹-۳۴۶، چاپ دوم، تهران: مهتاب.





Vol. 10. Pp. 55-63.

Hosseini, Seyyed Hashem. 2001. Introduction of safavid inscription in Imam Reza holy shrine. Meshkat. Vol. 72-73. Pp. 136-145.

Irani, Abdolmohammad. Genesis of calligraphy and calligraphers. Tehran. Yassavoli.

Isfahani, Heydar. 2012. Resale dartarikh Isfahan. PayamBaharestan. Vol. 17. Pp.314-336.

Isfahani, Mohammad Saleh. 2007. Tazkrat Al-Khattatin. Name Baharestan. Vol. 11-12. Pp. 13-34.

Jabbari, Sedaghat. 2008. The Genesis and revelation of Nastaliq in 8th and 9th A.H. HonarhayeZiba. Vol. 3. Pp.77-84.

Jafari, Ali Akbar. 1976. Inscriptions of MirNasoumBakri. HonarvaMardom. Vol. 169-170. Pp. 17-26.

KarimzadeTabrizi, Mohammad Ali. 2001. AhvalvaAsar Mir-Emad. London.

KhosraviBizhaem, Farhad. 2007. Nastaliq in Isfahan school Inscriptions focusing on the works of Mohammad Saleh Isfahani. Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress. Pp.101-121. Tehran: Iran's Academy of Arts.

KhosraviBizhaem, Farhad. Yazdani, Melika. 2011. Introduction of an exclusive Nastaliq Inscription in Seykh-I Jaam tomb By Ali Reza Abbassi. The National Islamic Art Conference. University of Birjand. Birjand. Iran.

Mayel, Reza. 1976. Some inscriptions in Herat. Kabul: Beyhaghi.

ModarresTabatabaei, H. 1971. The old schools of Qom: Safavid schools 5. Vahid. Vol. 94. Pp. 1015-1020.

ModarresTabatabaei, H. 1971. The old schools of Qom: Safavid schools 6. Vahid. Vol. 95. Pp. 1247-1252.

ModarresiTabatabaei, SeyyedHossein. 1976. TorbatePakan. Qom: Mehr.

ModarresiTabatabaei. 1978. The tomb of ShahzadeHossein in Qazvin. BarresihayeTarikhi. Vol. 78. Pp. 143-174.

O'Kane, Bernard. 2007. Timurid Architecture in Khurasan. Translated by Ali Akhshini. Mashhad: Islamic research Foundation.

Paat, Fariba. Khezri, Ahmadreza, 2010. Calligraphy in early Safavid era.

Pazhooeshnametarikhtamaddoneslami. Vol.1. Pp. 33-48.

Qodsi, Manouchehr. 1999. Calligraphy on Isfahan Inscriptions. Isfahan: Golha.

Qomi, Qazi Ahmad. 2004. Golestan-e Honar. Tehran: Manouchehri.

Rouholamin, Ehsan. 2007. Study of Inscription in Tkye-Mir. Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress. Pp.145-165. Tehran: Iran's Academy of Arts.

Sotoude, Manouchehr. 1987. from Astara to Starbad. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.

Soucek, Priscilla. 2007. Calligraphy in early Safavid dynasty. GolestaneHonar. Translated by ValliollahKavousi. Vol. 10. Pp.24-39.



found other than their signatures at the end of these inscriptions, such as Mohammad Khan, Beman Ali, Abdolvahhab, Nezamoddin Hafez, AdibMajlesi, Abdullah, Mohammad Momen, Mohammad MoqimMousavi, Khalilollah and Abu Saeed Emami. The most numerous works belong to Mohammad Saleh Isfahani, Mohammad Reza Emami, Ali NaqiEmami, Sultan Ali Mashhadi, Mir MasoumBakri, Ali Reza Abbasi and Hassan Shamlou.

In addition, it can be noticed that there is no trace of the inscriptions by MolanaAdham, Mir Ali Herawi, MalekDeylami, Mohammad Hussein Tabrizi and Mohammad ShafiHerawi, except for a very brief description and explanation in the mentioned sources. Therefore, it can be studied in future investigations. Also, the form analysis and different styles of these works are potential research topics that may be done by other interested individuals.

**Keywords:** Nastaliq Inscription, Safavid Architectural Decorations, Safavid Calligraphers, Calligraphers Signatures.

**References:** Abedinpour, Vahid. Samaei, Masoume. 2010. The Causes of Calligraphy Changes and Its connection with Iranian Identity during the Timurid Period. *Tarikh Islam va Iran*. Vol. 8. Pp. 55-86.

Ali Afandi, Mostafa. 1990. ManaghebHonarvaran. Tehran: Soroush.

Azhand, Yaghoub. 2004. Calligraphy in Herat School whit emphesise on Nastaliq Script. *Ketabmahonar*. Vol. 69-70. Pp.24-36.

Bayani, Mahdi. 1984. AhvalvaAsarKhosnevisan. Tehran: Elmi.

Bayat, Azizollah. 2008. Kolyyattarikhtabighi Iran. Tehran: Amirkabir.

Bokhari, Darvish Mohammad. 1994. Favaed al-Khotout. In: Manuscripts on calligraphy and related arts. Pp. 305-398. Edited by Hamid Reza Ghelichkhani. Tehran: Rowzane.

DaneshYazdi, Fateme. 2008. Islamic Inscription of Yazd city. Yazd: Sobhannoor.

Fazaeli, Habibollah. 2005. Talim-e Khatt. Tehran: Soroush.

GhasemiAndroud, Parastoo. 2008. Monumental epigraphy from 1012 A.H. in Soltanie tomb. *Payam-e Bastanshenas*. Vol.10. Pp. 130-134.

Ghelichkhani, Hamid Reza. 1994. Dictionary of words and phrases of calligraphy and related arts. Tehran: Rowzane.

Ghelichkhani, HamidReza. 2006. The oldest Nastaliq Inscriptions. *Collected Articles of Calligraphy*. Pp. 143-152. Tehran: PazhooheshkadeyeHonarhayeSonnati.

Ghelichkhani, Hamid Reza. 2007. Brilliant Calligrapher of Shah Abbas Court: AlirezaAbbasi. *Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress*. Pp.51-72. Tehran: Iran's Academy of Arts.

Ghelichkhani, Hamid Reza. 2013. An introduction of Persian Calligraphy. Tehran: FarhangMoaser.

Ghelichkhani, Hamid Reza. 2013. Zarafshan. Tehran: FarhangMoaser.

Ghelichkhani, Hamid Reza. 2014. AbdorrashidDeylami. Tehran: Peykare.

Haft Ghalami, Mohammad. 1998. TazkareKhoshnevisan. Tehran: Rozane.

Harati, Mohammad Mahdi. AlirezaAbbasi. 2007. *Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress*. Pp.1-29. Tehran: Iran's Academy of Arts.

Heravi, Mir Ali. 1994. Medad al-Khotout. In: Manuscripts on calligraphy and related arts. Pp. 1-14. Edited by Hamid Reza Ghelichkhani. Tehran: Rowzane.

Hillenbrand, Robert. 2011. *The Cambridge History of Iran*. vol. 6. The Timurid and Safavid Periods. Safavid Architecture. Pp 249-346. Edited by Laurence Lockhart and Peter Jackson. Translated by TeymourQaderi. Tehran: Mahtab.

Honarfar, Lotfollah. 1965. *Collection of historical monuments of Isfahan*. Isfahan: Saqafi.

Honarfar, Lotfollah. 1969. *The list of historical inscription in Isfahan Monouments*. MaarefIslami.

## Identifying and Introducing of Nastaliq Inscriptions Calligraphers in Safavid Monuments of Iran

Farhad Khosravi Bizhaem, Ph.D., Assistant Professor, Calligraphy and Miniature Painting Department, Handicrafts Faculty, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 2018/07/25 Accepted: 2018/12/04



Today, it has been accepted that the learning of calligraphy has been an integral part of the cultural taste and interest of the Safavid community. Some calligraphers of this period, in addition to their letter writing and manuscripts, have also been involved in the writing of inscriptions. On the other hand, the Safavid calligraphy community accepted the use of Nastaliq to write verses and poems. What is clearly visible in this is the emergence and presence of inscription's calligraphers along with other Safavid artists. Since many of the calligraphers identified in this study had not been prolific in writing, it can be concluded that they were often engaged in writing inscriptions. This fact reflects the importance of such works in the present research time span. In other words, the artistic and cultural context of the Safavid era was such that a new branch of artistic activity emerged independently in the style of Nastaliq inscription in decorations related to the architecture of this period.

The prevalence of Nastaliq inscriptions in Safavid architecture is one of the significant innovations in this era. The inscriptions, in addition to the aesthetic aspects, contain valuable information such as the names of people who are influential in the making of monuments and inscriptions. From this perspective, inscriptions can be considered valid documents in identifying a part of Iranian art history. One of the most researched aspects in this field is the introduction of calligraphers of these inscriptions, which have been studied less in history of calligraphy or have not been considered at all. The general question of the research is as follows: which Safavid calligraphers have been active in the field of Nastaliq inscription and how many works by them have remained? According to that, a fundamental research based on library and field studies was carried out in more than 150 Safavid buildings containing at least 227 Nastaliq inscriptions.

The results show that there are 81 signed inscriptions which at least 44 calligraphers have signed them. According to this research, Safavid Nastaliq inscription started with Sultan Ali Mashhadi in the early 10th century A.H. and finished with calligraphers such as Mohammad Saleh Isfahani and Ali Naqi Emami in first quarter of the 12th century A.H. They can be divided in 3 groups. The first one includes the famous calligraphers such as Mir Emad, Ali Reza Abbasi and Mohammad Saleh Isfahani whose detailed biography is available in remaining sources. Another group of these calligraphers includes the artists that there are little information about their life and works, such as: Abolfotuh Golestane, Sahifi Johari, Abutorab Isfahani, Ali Khan Beik, Abolmaali Naqib, Shafi bin Abdoljabbar, Noura, Dargahqoli Sharif and Velayatollah Golpayegani. The third group of calligraphers of the inscriptions includes the artists from whom no work in the manuscripts or collections has been